



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز می‌توانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



## نهادهای نظارت کننده انتخابات:

## حکومت دست‌وپای کمیسیون‌های انتخاباتی را بسته است

صفحه ۳



## د سرپل ولایت والی:

## د سرپل کوهستانات د مخالفینو

## د جلب او جذب په مرکز اوښتی

صفحه ۶

## حکمتیار از فهرست سیاه حذف شد

صفحه ۶

# نگاهی به روند پروژه حفظ و مراقبت (MCG)

بیکاری و اوضاع امنیتی در ولایات کشور، مورد تطبیق قرار می‌گیرد. این پروژه در جریان تطبیق عملی خود به طور فوق العاده بی مورد توجه روستاییان بی بضاعت و آنانیکه از بیکاری رنج می‌برند، قرار گرفته و آنان خواهشمند دوام پروژه حفظ و مراقبت در قریه های شان هستند. وزارت احیا و انکشاف دهات با تلاش فراوان تا اکنون توانسته است که پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی را در بیشتر ولایات کشور عملی نموده و نتایج درخشانی از آن بدست آورد. این وزارت با طرح و تنظیم پلان های مدیرانه خویش، روزتا روز، مراحل عملی پروژه حفظ و مراقبت را می پیماید و با این تلاش، برای تعداد کثیری از هموطنان روستایی ما زمینه های دسترسی به کار های کوتاه مدت و دراز مدت را ایجاد کرده است. بنا بر معلوماتی که جانب منابع موثق برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات ارائه گردیده است، تاکنون دمرحله این پروژه در روستا های کشور تطبیق گریده و اینک در جریان عملی نمودن مرحله سوم خود قرار دارد. پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، از بدو تطبیق خود تا اکنون به طور مجموعی احیا و باز سازی تعداد (۱۲۶۱۵) پروژه انکشافی را مورد تطبیق قرار داده است که عمدتاً (۳۷۷۱۷۴) روز کاری برای کارگران ماهر و (۱۲۳۸۶۹۲۱) روز کاری برای کارگران غیر ماهر ایجاد شده است.

ناگفته نماند که از آغاز تطبیق پروژه حفظ و مراقبت (MCG) تا اکنون (۱۱۱۳۱) شورای انکشافی قریه تحت پوشش قرار گرفته است و مبلغ (۵۶۶۴۵۶۹۷۴۹) افغانی هزینه مجموعی آن میباشد. در جریان تطبیق پروژه حفظ و مراقبت، بیشتر از همه پروژه های انرژی برق، کانال های آبیاری زراعتی، معارف، صحت، حفظ الصحه، آب آشامیدنی صحی و ترانسپورت مورد توجه قرار گرفته است. همچنان، حدود (۲۸٪) پروژه ها در سراسر افغانستان زیر پوشش آمده و این فیصدی مربوط می شود به تناسب پروژه های تکمیل شده (تطبیق شده) بر مجموعه پروژه های تمویل شده توسط برنامه حفظ و مراقبت که شامل (۶۱۲۹) پروژه در حال جریان (۴۷۶۰) پروژه تکمیل شده و (۱۷۲۶) پروژه تایید شده میباشد.



برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، سال قبل بوسیله جلالتمآب محمد اشرف غنی رییس جمهوری اسلامی افغانستان، اعلام گردید. از طریق این برنامه سعی و تلاش صورت گرفت که در سراسر کشور، به منظور کاهش سطح بیکاری و رشد اقتصادی مردم، از تمامی امکانات موجود استفاده گردد.

برای تحقق این آرمان، هر وزارتخانه جمهوری اسلامی افغانستان کمر همت بسته و به نوبه خود از طریق ارگان و اداره خویش، تصمیم گرفتند آن چنان پروژه هایی را در عمل تطبیق نمایند تا اگر معضله بیکاری در سطح تمام ولایات کشور به گونه بنیادی نابود نگردد، لافل کاهش بیاید.

در این میان وزارت احیا و انکشاف دهات نسبت به سایر ارگانهای دولتی در راستای تحقق برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، حیثیت پیشاهنگ را داشته زیرا این وزارت در زیر چتر برنامه مذکور، با تطبیق پروژه بزرگ حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی، به تحفظ و بازسازی سرک ها، کانالهای آب، شبکه های آبرسانی و همچنین در زمینه ایجاد کار و اشتغال برای مردم روستا های کشور، اقدام نموده است. باید یاد آور شد که پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی در سه مرحله مختلف از طریق شوراها انکشافی قریه برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، عملی میگردد. رییس جمهور کشور، حین اعلام برنامه ملی ایجاد کار برای صلح گفت:

«تشدید جنگ و کاهش کمکهای خارجی روی اقتصاد افغانستان و زمینه کار تأثیر منفی گذاشته است و عمدتاً این تأثیر بر آن عده هموطنان ما بیشتر است که کار و اشتغال ندارند و روزانه در چاره‌ای‌ها منتظر می‌مانند که کسی پیدا شود و آنها را برای کار ببرد تا لقمه نانی را برای خانواده‌هایشان پیدا کنند.»

در پروژه حفظ و مراقبت تلاش صورت می‌گیرد تا نهاد ها و پروژه هایی که قبلاً در راستای انکشاف روستا های کشور عملی گردیده و به گذشت بیشتر از یک دهه، به ترمیم و مراقبت نیاز دارند، دوباره ترمیم شده و فعال نگهداشته شوند. همچنان در زمینه رشد زراعت، راه سازی و سایر نیازمندی های بنیادی روستاییان نیز از طریق این پروژه تلاش هایی صورت خواهد گرفت. ناگفته نباید گذاشت که پروژه حفظ و مراقبت در سه مرحله با در نظر داشت وضعیت آب و هوا، سطح



احمد عمران



## سخن ماندگار

## موضع گیری اتحادیه اروپا چه تأثیری بر تصمیم ارگ خواهد گذاشت؟

نماینده ویژه اتحادیه اروپا در افغانستان گفته است: شناسنامه‌های الکترونیکی، افغانستان را جای امن تر خواهد ساخت. فرانز مایکل ملیبند، در توییتی گفته است که توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی، حکومت داری را قوی و خدمات را بهتر خواهد ساخت. اظهارنظرهای آقای ملیبند در حالی ارایه می‌شود که دولت افغانستان به دلایل و بهانه‌های مختلف، توزیع شناسنامه‌های برقی را بارها به تأخیر انداخته است. ولی ما بارها گفتیم که توزیع شناسنامه‌های برقی طبق قانون توشیح شده، برای افغانستان حیاتی است و از همین رهگذر، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چنان‌که بارها این مسأله شکافته شده است و امروز چیزی که آقای ملیبند می‌گوید، در واقع بازتاب همان حقایق و حرف‌هایی است که در گذشته گفته شده و توجه جامعه اروپا را به خود معطوف داشته است.

این‌که آقای ملیبند توزیع شناسنامه‌های برقی را حلال بسیاری از مشکلات خوانده است، حرفی کاملاً به‌جاست؛ اما مسلماً به همین دلیل، حلقه‌های خاص در حکومت افغانستان از توزیع آن جلوگیری می‌کنند. زیرا نخست این‌که بر بنیاد این طرح، همه شهروندان کشور به یک نام خطاب نمی‌شوند و همه «افغان» خوانده نخواهند شد، بلکه هر کدام دارای هویت‌های حقیقی مخصوص به خود می‌شوند که در دنیای ثبت و جمع‌آوری خواهد شد. مسلماً احترام به هویت افراد و قومیت گروه‌ها، سبب هم‌پذیری و حس مالکیت همه بر کشور می‌گردد که برای افراد و حلقه‌های استیل‌گر و ضد وحدت ملی، این امر قابل تحمل نیست. آنان فقط خواهان سلطه مادی و معنوی یک قوم و قبیله بر همه‌گان هستند؛ امری که کاملاً خلاف عدالت الهی و انسانی است.

دوم این‌که؛ با توزیع شناسنامه‌های برقی و تکمیل این پروسه طی چند سال، یک آمار دقیق از میزان جمعیت کشور و چندی و چونی آن مانند نفوس حقیقی اقوام به‌دست می‌آید. این در حالی است که تا کنون یک جعل و دروغ بزرگ زیر نام اکثریت و اقلیت قومی بر کشور حاکم بوده و بر این اساس، حق تلفی‌های بی‌شماری صورت گرفته و می‌گیرد. سوم این‌که؛ با توزیع شناسنامه‌های برقی، منطق توزیع و استفاده از کارت‌های انتخاباتی از بین می‌رود و خود شناسنامه به‌تنهایی راه‌تقلب را مسدود می‌کند. چهارم این‌که؛ با توزیع شناسنامه‌های برقی، به میزان قابل توجهی از فساد اداری کاسته می‌شود و سوءاستفاده‌ها و خیانت‌های کلانی که در خلای نبود آن‌ها صورت می‌گرفت، از بین می‌رود و یک گام کلان به سمت حکومت داری خوب و در موازات به آن، به سمت حکومت داری الکترونیک برداشته می‌شود. صد البته که این پیشرفت‌ها هرگز مورد قبول چهره‌های قبیله‌گرا، تقلب‌باور و پاکستانی‌مشرک نیست. این عده و حامیان پاکستانی‌شان برای تطبیق تخریب‌ها و جعل‌کاری‌های‌شان، افغانستان را در خلای گام‌های زیربنایی و پروسه‌های ضروری و شفافی مانند توزیع شناسنامه‌های برقی می‌خواهند. آن‌ها می‌دانند که حکومت داری خوب و الکترونیک، راه را بر تمام اقدامات و برنامه‌های قبیله‌باورانه، استخباراتی و فسادآلود ناهموار می‌سازد و میان آنان و آرزوهای‌شان فرسنگ‌ها فاصله می‌اندازد.

به‌رغم این‌همه، اکنون که اتحادیه اروپا نیز بر توزیع این شناسنامه‌ها تأکید دارد، یک بار دیگر به ریاست جمهوری و ریاست اجرایی توصیه می‌کنیم که روند توزیع شناسنامه‌های برقی را جدی بگیرند و قانون توشیح‌شده را تطبیق کنند. مسلماً فرار از این قانون، راه به جایی نمی‌برد و ریاست جمهوری در این قبالت، تاوان سنگین‌تری خواهد پرداخت. آقای غنی باید با شجاعت و کاردانی، به این حقیقت تن دهد که روزگار تحمیل هویت‌های جعلی سپری شده و با عنایت به این نکته، امر توزیع شناسنامه‌های برقی را طبق قانون توشیح‌شده صادر کند و هیچ مانع و بهانه‌ی در برابر آن را به رسمیت نشناسد.

## گفت‌وگوهای که

## سوءتعبیر می‌شوند

**گفت‌وگوی میان‌حزبی برای شناخت وضعیت و دورنمای سیاست‌های آن، یک امر کاملاً پذیرفته و قابل درک است؛ اما این‌که چرا از چنین گفت‌وگوهای چنین برداشت‌های غیرمعمول صورت می‌گیرد، جای حرف و بحث دارد. سوال این‌جاست که چرا این‌همه حساسیت نسبت به دیگر احزاب سیاسی در کشور وجود ندارد که در مورد جمعیت اسلامی وجود دارد؟**

شاید یک پاسخ برای چنین پرسشی این باشد که همه حزب جمعیت را در سیاست‌های افغانستان جدی می‌گیرند و به همین دلیل، چنین نشست‌هایی بحث‌برانگیز می‌شوند. وقتی شماری از اعضای رهبری جمعیت در جایی همدیگر را می‌بینند، عده‌ی فوراً به دنبال آن می‌گردند که کی‌ها در این جمع حضور ندارند تا زمینه‌ی شود برای نشر تصویرهایی از آن نشست و حدس‌وگمان‌هایی که اکثراً هم هیچ رابطه‌ی با آن نشست نمی‌تواند داشته باشد. مثلاً می‌گویند فلان شخصیت‌ها در نشست و با دیدار در منزل فلان رهبر جمعیت حضور نداشته‌اند و باز به این نتیجه می‌رسند که این فرد و یا افراد، با دیگر اعضای جمعیت اختلافات جدی سیاسی پیدا کرده‌اند.

فضای جامعه متأسفانه چنان کدر و مملو از بدبینی هست که حتا عدم حضور یک فرد در یک محفل هم می‌تواند تیر اول خیری شود؛ در حالی که شاید آن فرد به دلایل دیگری نتوانسته باشد در آن نشست حضور پیدا کند. اما در این میان، یک نهاد دیگر هست که به‌شدت از چنین فضایی به نفع خود بهره‌برداری می‌کند و آن، جناح متعلق به ارگ و رییس جمهوری کشور است. این جناح با ابزارهای مختلف و از جمله فیسبوک‌چلونکی‌های خود، در پی کدر کردن فضای سیاسی جامعه به ویژه در رابطه با احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار است.

ارگ در پانزده - شانزده سال گذشته، به اشکال و انحای مختلف این سیاست را پیش برده و گویا از آب گل‌آلود ماهی گرفته است. حالا هم شوربختانه بخشی از فضای گفت‌وگوهای سیاسی میان احزاب و سازمان‌های تأثیرگذار کشور از سوی این نهاد سبوتاژ و تحریف می‌شود و تلاش صورت می‌گیرد که از آن‌ها تصویری ناروشن و مغشوش ارایه شود که بیشتر همخوان با منافع گروهی و سیاسی ارگ است.

در حزب جمعیت اسلامی نیز مانند هر حزب سیاسی دیگری، دیدگاه‌ها و نظرات گوناگونی می‌تواند بروز کند. شاید پویایی حزب جمعیت اسلامی که توانسته از آزمون‌های بی‌شمار تاریخی تا به امروز سرفراز بیرون شود، یکی آن‌هم نوع نگاه متکثر و مداراجویانه آن با مسایل متحدنه بوده باشد.

حزب جمعیت در طول سال‌های طولانی فعالیت خود، به ویژه در برهه‌هایی که رهبر فقید آن پروفیسور برهان‌الدین ربانی هنوز در قید حیات بود، همواره به عنوانی حزبی میانه‌رو، غیرقومی، فراگیر و متکثر شناخته می‌شد. این ویژه‌گی جمعیت سبب شده که بتواند در میان اقشار مختلف کشور، به عنوان حزبی ملی و دارای ارزش‌های همه‌شمول شناخته شود و هر کسی از هر قوم، تبار و زبانی، خود را به هدف‌های آن نزدیک احساس کند.

حزب جمعیت اسلامی در طول تاریخ حیات خود، حزبی دگم‌اندیش نبوده که فقط به یک قشر و تبار تعلق داشته باشد. گفت‌وگوهای میان‌حزبی‌ی که این روزها بسیار گل کرده، بخشی از این ویژه‌گی جمعیت اسلامی را تبارز می‌دهد و هیچ‌گونه منافاتی با اساسات و روش‌های مبارزاتی و سیاسی آن ندارد. اگر جمعیت اسلامی چیزی غیر از این می‌بود، آن وقت جای حرف و بگویم‌گو داشت. اما آن‌چه که برمی‌گردد به گفت‌وگوها و رای‌زنی‌های این حزب میان اعضای رهبری آن، فکر نمی‌شود چیز خارق‌العاده و غیرمعمول باشد.

گفت‌وگوی میان‌حزبی برای شناخت وضعیت و دورنمای سیاست‌های آن، یک امر کاملاً پذیرفته و قابل درک است؛ اما این‌که چرا از چنین گفت‌وگوهای چنین برداشت‌های غیرمعمول صورت می‌گیرد، جای حرف و بحث دارد. سوال این‌جاست که چرا این‌همه حساسیت نسبت به دیگر احزاب سیاسی در کشور وجود ندارد که در مورد جمعیت اسلامی وجود دارد؟

در حالی که سران و اعضای رهبری جمعیت اسلامی در حال گفت‌وگو میان خود هستند، ارگ ریاست جمهوری در واکنش به دیدارهای استاد عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ و رییس اجرایی جمعیت اسلامی گفته است که این‌گونه دیدارها و گفت‌وگوها به هدف مشارکت بیشتر و ایجاد اصلاحات در حکومت صورت می‌گیرد و به تقسیم قدرت با هیچ جناح و شخصی نباید تعبیر شود. به گفته معاون سخنگوی ریاست جمهوری، گفت‌وگوهای ارگ شامل همه جناح‌های مطرح در کشور می‌شود. او همچنین تأکید کرده که رییس جمهوری با خیلی از شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی تأثیرگذار برای کارآمد ساختن نقش دولت مشوره و گفت‌وگو می‌کند، ولی هرگز با کسی و جناحی بر سر تقسیم قدرت گفت‌وگو نخواهد کرد.

در همین حال، گفت‌وگوهای سران جمعیت اسلامی افغانستان که این روزها بیشتر از هر جناح و سازمان سیاسی دیگری با یکدیگر دیدار و رای‌زنی دارند، این شایبه را تقویت کرده که گویا این حزب در میان خود به اختلاف‌هایی تازه رسیده و همین اختلاف‌ها سبب شده‌اند که آن‌ها با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو داشته باشند.

البته اختلاف‌های سلیقه‌ی در میان هر جناح و حزبی می‌تواند وجود داشته باشد و نباید از آن، به انشعاب و یا فروپاشی آن حزب و سازمان تعبیر شود. حزب جمعیت اسلامی از احزاب با پیشینه اسلامی در افغانستان است که بیشتر از نیم قرن از کار و فعالیت سیاسی آن می‌گذرد. این حزب طی این مدت نیم‌قرن، توانسته در درون جامعه به اندازه کافی نفوذ داشته باشد و از تأثیرگذارترین احزاب موجود در سیاست‌های کشور به شمار رود.

کار و فعالیت نیم‌قرن، برای یک حزب سیاسی که تجربه جهاد و مقاومت را نیز در کارنامه خود داشته باشد، چیز کمی نیست؛ ولی در عین حال، نمی‌توان انکار کرد که

# "اولویت شکستن استبداد ارگ است"



برای تغییر نظام زمان نیاز است و تا آن زمان نباید برای این که قدرت در ارگ متمرکز شده و غنی تک‌تازی می‌کند، همدیگر را انتقاد کرده و به جان همدیگر بی‌افزیم.

شماری از نمایندگان مجلس و آگاهان می‌گویند: همه می‌دانیم که استبداد در ارگ بی‌داد می‌کند و وزیران و والیان صلاحیت ندارد و همه چیز در کانال ارگ خلاصه شده؛ اما یادمان باشد که تنها با متحد بودن می‌توانیم این استبداد را از بین ببریم و صلاحیت وزیران و والیان را برای شان برگردانیم. آنان تاکید می‌کنند: اگر همه از هم جدا شویم و تشدد و پراکنده‌گی میان مجاهدین به میان بیاید، مشکل حل نمی‌شود؛ بنابراین با هم یکی و متحد شویم و استبداد ارگ را از بین ببریم و حق خود را بگیریم.

به باور آنان: برای حل معضل تغییر نظام باید یک کمیسیون بی‌طرف متشکل از نخبه‌گان سیاسی، حقوق‌دانان و افراد صاحب نظر ایجاد شود تا راه حلی پیدا کنند که نظام باید تغییر کند و یا راه حل دیگری را پیشنهاد کنند. این واکنش‌ها در پی اظهارات اخیر سیاسیون و رهبران احزاب مبنی بر اینکه قدرت به شدت در ارگ ریاست‌جمهور متمرکز شده و همه‌ی کانال‌ها به ارگ منتهی می‌شد و حتا وزیران و والیان صلاحیت اجرایی هیچ کاری ندارند، ابراز می‌شود.

اخیرا عطا محمد نور یکی از رهبران جهادی و رییس‌اجرایی حزب جمعیت اسلامی افغانستان با انتقاد از داکتر عبدالله گفته که خود با غنی وارد مذاکره شده و به توافقات دست یافته است. اما قاضی نذیراحمد حنفی عضو مجلس نمایندگان به این باور است که برای تغییر نظام زمان نیاز است و تا آن زمان نباید برای اینکه قدرت در ارگ متمرکز شده و غنی تک‌تازی می‌کند، همدیگر را انتقاد کرده و به جان هم می‌افزیم.

او می‌گوید: ما برای غیر متمرکز شدن قدرت نیاز به هم‌بسته‌گی و متحد بودن داریم اینکه از هم جدا شده و داکترعبدالله را به خاطر نگرفتن سهم ما ن

انتقاد کنیم، مشکل حل نمی‌شود.

به گفته قاضی حنفی: اگر ما داکتر عبدالله را فشار دهیم، به این معناست که خود را فشار دادیم، پس باید با هم یکی شویم و به عنوان یک قوت ارگ را فشار دهیم تا از تمرکز قدرت در ارگ کاسته شود.

وی افزود: اگر همه از هم جدا شویم و تشدد و پراکنده‌گی میان مجاهدین به میان بیاید، مشکل حل نمی‌شود؛ بنابراین با هم یکی و متحد شویم و استبداد ارگ را از بین ببریم و حق خود

را بگیریم. قاضی حنفی تاکید کرد: همه می‌دانیم که استبداد در ارگ بی‌داد می‌کند و وزیران و والیان صلاحیت ندارد و همه چیز در کانال ارگ خلاصه شده؛ اما ما تنها با متحد بودن می‌توانیم این استبداد را از بین ببریم و صلاحیت وزیران و والیان را برای شان برگردانیم. او گفت همچنان: درست است که داکترعبدالله نتوانست حق مردم را بگیرد؛ بنابراین اکنون همه با هم، برادر ما اسماعیل خان، قانونی، عظامحمد نور؛ امرالله صالح و ..... تا زمانیکه لویه جرگه تعدیل قانون اساسی برگزار شود در کنار داکترعبدالله ایستاد شده و حق مردم را بگیرند و به استبداد ارگ نقطه پایان بگذارند.

حنفی می‌گوید: برای تعدیل قانون اساسی باید نصاب لویه جرگه تکمیل باشد؛ بنابراین نخست باید انتخابات شورای ولسوالی برگزار شود؛ پس در حال حاضر تنها می‌توان به عنوان یک مسوده تصویب شود و مواردی که برای برگزاری لویه جرگه برای تعدیل قانون اساسی نیاز است آماده شود و بعد از انتخابات شورای ولسوالی‌ها از آن استفاده شود.

وی تاکید کرد: البته اگر اراده‌ی وجود داشته باشد، بدون شک برای انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها دو سال زمان کافی است و در این دو سال می‌توان هم انتخابات پارلمانی و هم انتخابات شورای ولسوالی را برگزار کرد و لویه جرگه تعدیل قانون اساسی را فراخواند.

جعفر کوهستانی استاد دانشکده حقوق دانشگاه کابل با گلایه از داکترعبدالله می‌گوید: مردم به خاطر تن به توافق‌نامه سیاسی دادند تا شکل نظام تغییر کند و تمرکز قدرت در افغانستان از بین برود؛ اما برای اجرایی توافق‌نامه و از بین رفتن تمرکز قدرت هیچ گامی از سوی کاخ سپیدار برداشته نشد.

به گفته کوهستانی: اگر کاخ سپیدار می‌خواست که توافق‌نامه سیاسی عملی شود و یا اینکه از تمرکز قدرت در ارگ گله‌مند بود و خود، توان مبارزه با آن را نداشت، باید به مردم مراجعه می‌کرد تا مردم تصمیم می‌گرفتند.

وی می‌گوید: مردم را به میدان اعتراضات مصالمت‌آمیز دعوت می‌کرد، بدون شک تمرکز قدرت در ارگ از طریق مردم کاسته می‌شد، مردم رییس‌جمهور را مجبور می‌کردند تا از تمرکززدایی دست بکشند.

کوهستانی اضافه کرد: در بهار سال آینده حکومت بدون کادر تخصصی هم در بخش نظامی و هم در سایر بخش‌ها بدون شک افغانستان را به طرف فناء سوق می‌دهد و این ناشی از تمرکز

## نهادهای نظارت‌کننده انتخابات: حکومت دست‌وپای کمیسیون‌های انتخاباتی را بسته است

### هارون مجیدی

پس از سه‌ماه از معرفی چهره‌های جدید به کمیسیون‌های انتخاباتی می‌گذرد که بار دیگر، سر و صداها از مداخلات حکومت در روند کار این کمیسیون‌ها بلند شده است. مسوولان شماری از نهادهای ناظر بر انتخابات افغانستان می‌گویند که حکومت با صادر کردن فرمانی دست و پا و ابتکار عمل اعضای کمیسیون انتخابات را بسته است.

به گفته مسوولان این نهادها، اعضای کمیسیون انتخابات تا هنوز نتوانسته‌اند اعتماد از دست رفته شهروندان بر پروسه انتخابات را دوباره‌سازی کنند. مسوولان نهادهای ناظر انتخابات به این باور اند که حکومت اراده برگزاری انتخابات را ندارد و در ادامه مداخلاتش می‌کوشد تا برگزاری انتخابات را بار دیگر با چالش روبه‌رو کند.

یوسف رشید رییس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان یا فیفا در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: کمیشنران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی ابتکار عمل



ندارد.

آقای رشید با بیان این‌که حکومت ابتکار عمل اعضای کمیسیون انتخابات را سلب کرده، می‌گوید: بر بنیاد فرمانی که داده شده، اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی وظیفه دارند که بعد از بررسی‌های همه‌جانبه طرحی را به حکومت پیشکش کنند و حرف آخر را هم حکومت بزند و استقلالیت عمل کمیسیون را گرفته است.

آقای رشید در ادامه سخنانش گفت: "مشکل از مسوولان کمیسیون است؛ این‌ها در ظرف سه‌ماه می‌توانستند از این فرصت استفاده کنند در بخش اعتمادسازی با تمامی مشترکین در انتخابات، نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و رسانه‌ها، اولویت‌ها را شناسایی می‌کرد و دوباره حکومت را به چالش می‌کشیدند و به حکومت می‌فهماندند که مستقل‌اند و توانایی تصمیم‌گیری را دارند."

آقای رشید تأکید می‌کند: تا زمانی که کمیسیون با قوت از بحث روابط و مناسبت‌ها روی یک سلسله میکانیسم‌های شفاف گذار نکنند، آینده را با چالش‌های زیادی روبه‌رو خواهند کرد.

به گفته آقای رشید: اگر روند همین‌گونه ادامه یابد در آینده با انتخابات بدتر و غیر شفاف‌تر از

قدرت است که یک طرف نتوانست به تعهدات خود عمل کند و قدرت خلاصه شد در دست یک فرد.

او می‌گوید: هر نظام بسته‌گی به تعهد افرادی دارد که در هنگام سوگند، تعهد می‌کنند که از قانون حمایت می‌کنیم و در راستای مردم‌سالاری تلاش می‌کنیم، اما در دو سال گذشته ما دیدیم که به توافق‌نامه سیاسی که مبنای حکومت وحدت ملی را تشکیل می‌داد عمل

نشد. او افزود: تذکره‌های برقی توزیع نشد، اصلاحات در کمیسیون‌های انتخابات آن‌طور که مردم انتظار داشت؛ صورت نگرفت، زمینه برای برگزاری انتخابات فراهم نشد تا زمینه برای فراخواندن لویه جرگه فراهم شود و بالاخره نظام قانونمند نشد و قدرت در ارگ خلاصه شد.

اما ظاهر هاشمی حقوق‌دان به این باور است که برای حل معضل تغییر نظام باید یک کمیسیون بی‌طرف متشکل از نخبه‌گان سیاسی، حقوق‌دانان و افراد صاحب نظر ایجاد شود تا راه حلی پیدا کنند که نظام باید تغییر کند و یا راه حل دیگری را پیشنهاد کنند.

این حقوق‌دان می‌گوید: چون مبنای حکومت وحدت ملی توافق‌نامه سیاسی است نه قانون اساسی؛ بنابراین در همان اوایل مشخص بود که هر دو طرف تلاش دارند تا قدرت بیشتری را کسب کنند.

به باور این حقوق‌دان: اگر رهبران حکومت احساس ملی نداشتند و تنها به کسب قدرت بی‌اندیشند، نظام پارلمانی هم نمی‌تواند مشکل را حل کند؛ زیرا از کجا معلوم که در نظام پارلمانی به صدراعظم صلاحیت داد شود.

او تاکید کرد: اگر انتخابات ما بدون تقلب می‌بود و اکنون یک رییس‌جمهور براساس قانون اساسی می‌داشتیم، شاید امروز تا این حد مشکل نمی‌داشتیم و خواست مردم هم برآورده می‌شد.

وی افزود: از سوی هم تغییر نظام شرایط خاص خود را دارد که باید عملی شود؛ اما کمیسیون انتخابات کمیسیون با صلاحیتی نیست که بتواند یک انتخابات سالم برگزار کند که به تعقیب آن ما شاهد برگزاری انتخابات شورای ولسوالی‌ها و برگزاری لویه جرگه باشیم.

به گفته استاد هاشمی: در دو سال گذشته آنچه را که باید تقسیم می‌کردند، تقسیم کردند و هیچ مشکلی بین شان وجود نداشت؛ اما اکنون که نفس قدرت مطرح است، مشکلات بین دوطرف اوج گرفته.

پیش، روبه‌رو خواهیم شد. رییس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان در پاسخ به این پرسش که آیا کمیسیون انتخابات توانایی برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی را در سال آینده خواهد داشت، می‌گوید: وضعیت بسیار تاریک و مبهم است، چون تا آخر همین ماه کمیسیون باید طرح پیشنهادی خود را به مسوولان حکومت وحدت ملی بسپارد و با توجه به کش‌و‌گیرهایی که میان ریاست اجرایی و ریاست‌جمهوری وجود دارد و بروکراسی موجود، معلوم نیست که کارهای عملی چه زمانی آغاز خواهد شد.

در این حال، نعیم ایوب‌زاده رییس نهاد انتخابات شفاف افغانستان یا تیفا نیز از مداخله حکومت در روند کار کمیسیون انتخابات، شکایت کرده و می‌گوید: مداخله و کم توجهی حکومت سبب شده تا کمیسیون انتخابات نتواند کارهای خود را به صورت باید و شاید انجام دهد و سرنوشت برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی را روشن سازند. آقای ایوب‌زاده به این باور است که حکومت اراده برگزاری انتخابات را ندارد و در ادامه مداخلاتش می‌کوشد تا برگزاری انتخابات را بار دیگر با چالش روبه‌رو کند.

او می‌گوید: تا زمانی که حکومت دست از مداخله برنهد و منابع کافی را در اختیار کمیسیون انتخابات قرار ندهد، ممکن نیست تا شاهد برگزار انتخابات شفاف و عادلانه در کشور باشیم.

آقای ایوب‌زاده با بیان این‌که فرصت کافی در اختیار کمیسیون انتخابات قرار دارد، از اعضای این کمیسیون می‌خواهد تا با استفاده از وقت

تلاش‌های خود را سریع سازند و زمینه برگزاری انتخابات را آماده کنند. پیش از این، مسوولان کمیسیون انتخابات در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار گفته بودند که این کمیسیون با مشکلات کادری مواجه است.

به گفته آنان، هم‌زمان به آغاز کار اعضای تازه کمیسیون مشکلات کادری و مالی این نهاد را به چالش مواجه ساخته و در طول دو سال گذشته، کمیسیون در حالت فلج قرار داشته و اکثریت کارمندان خود را نیز از دست داده است؛ از بهر همین مشکل است که آنان نتوانسته‌اند کارهای عملی بیشتری انجام دهند.





علی امیری - استاد مطالعات اسلامی دانشگاه ابن سینا

بخش نخست

# درونی ما با بیرونی؟ اسلام با انحطاط

به‌طور خاص، از رهگذر برجسته کردن دو ناسازواری اخلاقی و معرفتی، انحطاط اسلام را به مثابه یک وضعیت نشان دهم. در میان بسی موضوعات، «اخلاق» و «مسأله معرفت»، قدرت نشانگری بالا دارد و اگر بتوان این ناسازواری‌ها را برجسته کرد، می‌توان گفت به‌طور نسبی در آرایه سیمایی از انحطاط معاصر اسلامی موفق شده‌ایم.

باری و به هر حال، در یک نگاه آفاقی، اسلام معاصر را می‌توان با یک نوع تحدی اخلاقی دست به گریبان دید. گوشه و کنار دنیای اسلام آکنده است از وعاظ خوش‌خیالی که به دیگران درس اخلاق می‌دهند؛ اما از مواعظ بی‌لطف و آکنده از وراجی این دست که بگذریم، بحران اخلاقی جهان اسلام یک واقعیت غیر قابل کتمان است. هم میزان زیادی ظلم (کار ضد اخلاق) و خشونت در جهان اسلام به‌وقوع می‌پیوندد که خود قبل از همه نشان فقدان یک وجدان اخلاقی حساس و نظام اخلاقی مؤثر و کارآمد در جهان اسلام است و هم چشم‌انداز اخلاقی‌یی که بدان وسیله بتوان خیر و شر را تفکیک کرد و مرز نسبتاً روشنی میان امر اخلاقی و امر غیراخلاقی کشید، وجود ندارد. فی‌المثل، جهان اسلام در محکوم کردن انتحاری همین اکنون حکم اخلاقی قاطعی ندارد و این‌که عمل انتحارکننده را گاه «شهادت‌طلبانه» و گاه «فدایی» می‌خوانیم، خود در قدم نخست نشان برجسته‌یی از فروپاشی وجدان اخلاقی است. و اگر تمدنی نتواند در برابر ظلم و بی‌عدالتی واکنش اخلاقی مناسب و مؤثر از خود نشان دهد، هر نوع ادعای آن در عرصه فرهنگ و روابط انسانی، اگر دروغ و پرواگند نباشد، در بهترین حالت یک توهم شیرین و البته دهشت‌ناک است.

اما، بحران اخلاقی در جهان اسلام تنها به قاعده شدن رفتارهای ضد اخلاقی در این جهان خلاصه نمی‌شود، بلکه این

در دو قرن اخیر در باب نوسازی و احیای دینی در اسلام سخن کم گفته نشده است. اما هنوز نفس این مسأله که چه چیزی در مورد اسلام اتفاق افتاده و اسلام چطور دچار انحطاط یا مشکل شده که نیاز به احیا و نوسازی پیدا کرده، به گونه لازم تبیین نشده است.

در اسلام چه اتفاق افتاده که نیاز به نوسازی، بازسازی یا احیا دارد؟

جنبش‌های اسلام‌پیرایی متأخر، خواه سلفی و خواه متجدد و نوخواه، به یکسان از این پرسش غفلت کرده‌اند. پیش‌فرض آگاهانه یا ناآگاهانه این غفلت، «ذات بی‌عیب» اسلام است. «اسلام به ذات خود ندارد عیبی» و هر عیبی که هست یا از مسلمانان است یا از نامسلمانان. بدین‌سان گذشته‌گان، مانند جنبش‌های احیای هند و حجاز و آفریقا، انحطاط اخلاقی مسلمانان را دلیل انحطاط اسلام می‌دانستند و اکنون همه‌گی غرب را مسوول این انحطاط تلقی می‌کنند. من در این گفتار می‌کوشم نخست منظوم را از انحطاط اسلام روشن کنم؛ ثانیاً رویکردهای بیرونی و درونی به انحطاط اسلام را توضیح دهم؛ ثالثاً نشان دهم که انحطاط اسلام امری درونی و تاریخی است.

انحطاط اسلام وجوه مختلف دارد و می‌توان آن را در ضمن برجسته کردن نشانه‌های متعددی که اکنون موجود است، نشان داد و به مدد این نشانه‌ها، سیمای نسبتاً روشنی از آن به تصویر کشید. اما عجالتاً نمی‌توان به همه وجوه انحطاطی‌یی که بر ما مستولی است، اشاره کرد. من می‌کوشم

مسأله ابعاد دیگری نیز دارد. بدین معنا که اسلام در کلیت خود به مثابه یک دین، دشوار تن به داوری اخلاقی دنیای معاصر خود می‌دهد و اگر خواه‌ناخواه در معرض داوری اخلاقی قرار گیرد، به‌دشواری می‌تواند کامیاب از آزمون بیرون شود. نظام حقوقی و جزایی اسلام بنابر قرائتی که در دوران میانه (قرن سوم تا قرن هشتم) از آن تدوین شده است، واجد رشته‌یی از تبعیضات و نابرابری است که توجیه اخلاقی آن با معیارهای اخلاقی دنیای معاصر بسیار دشوار است. بدین سان، اسلام معاصر، هم در داوری اخلاقی وجدان بشر کنونی، شوربختانه با ناکامی مواجه است و هم در درون آن، خشونت و ظلم به مثابه بارزترین مصادیق رفتار غیراخلاقی، به قاعده زنده‌گی در جهان اسلام مبدل شده است. از این دو واقعیت روی هم رفته می‌توان به بحران اخلاقی در اسلام معاصر یاد کرد.

در کنار بحران اخلاقی، جهان اسلام دچار بحران معرفتی هم است. این بحران نیز دو وجه دارد: نخست این‌که اسلام تن به داوری علمی نمی‌دهد و در برابر علم مدرن، موضع دفاعی اتخاذ کرده است. ثانیاً مسلمانان به اشیا و امور از منظر علم مدرن (اعم از علوم طبیعی و انسانی) نگاه ندارند و اسیر همان نظام معرفتی کهن اند. یکی از بزرگ‌ترین ناسازواری‌گی معرفتی که جهان اسلام با آن دست به گریبان است، این است که جهان اسلام با نگاه کهن به عالم جدید می‌بیند یا به تعبیر مناسب‌تر و دقیق‌تر، با یک نگاه منسوخ به واقعیت‌های موجود نظر می‌کند. این همان عدم تناسب ذهن و عین در جهان اسلام است که هنوز به پیامدهای آن نیندیشیده‌ایم ولی احتمالاً بخشی از روان‌پریشی‌ها و خردستیزی‌ها و خشونت‌ها و عصبانیت‌ها ریشه در این ذهنیت مغشوش دارند. بدین سان، جهان اسلام معاصر دچار یک ناسازواری یا تناقض معرفتی بسیار شدید است. این بحران سبب شده که نه برداشت جهان اسلام از واقعیت (عالم خارج) واقع‌نمایی لازم را داشته باشد و نه امکانات (ذهنی و مادی) مسلمانان برای تغییر واقعیت کافی باشد. بدین‌سان در غیبت درک درست از واقعیت و فقدان امکانات مناسب برای تغییر واقعیت، جهان اسلام در یک

نزاع مستمر با روزگار خود (واقعیت) قرار گرفته است. به هر حال، این یک بحران جدی یا به تعبیری مناسب‌تر، وجهی از وجوه بحرانی است که دیری ست خار آن تقریباً بر تمامی تار و پود جامعه اسلامی خلیده است.

از آن‌چه گفتیم، به‌طور خلاصه نتیجه آن می‌شود که اسلام معاصر به‌دلیل ناسازواری اخلاقی و معرفتی که اکنون با آن دست به گریبان است، دچار بحران است. و از آن‌جا که بر این بحران واقف نیست و علاوه بر عدم وقوف به اصل بحران، راه خروج از آن را نیز نمی‌شناسد و بنابراین در نوعی ناخوش‌آگاهی تاریخی غرق شده؛ علاوه بر بحران دچار انحطاط هم است. بنابراین بیراه نیست که اسلام را دچار انحطاط مژمن بدانیم که خود نیز چندان بدان واقف نیست یا حداقل در آگاهی عمومی جهان اسلام این انحطاط جایگاهی ندارد.

در دوران اخیر، به این نکته که اسلام دچار پاره‌یی مشکلات است، به‌طور نسبی توجه و التفات صورت گرفته است. اما باید دید که خاستگاه این حیث‌التفاتی به معضل اسلام کجا است؟ ذات و درون اسلام است یا امری است عارضی و بیرونی؟

صحبت از احیای اسلام که در دوران جدید بسیار می‌شنویم، مشکل اسلام را مفروض می‌گیرد؛ اما برخی نمونه‌ها نشان می‌دهد که اغلب متفکران معاصر اسلامی، این مشکل را در بیرون می‌بینند نه در درون و ذات اسلام. من این‌جا به رویکردهای محمد اقبال لاهوری و عبدالکریم سروش به عنوان دو نمونه از توجه به معضل اسلام، اشاره می‌کنم.

احیای اسلام از نظر اقبال، برخاسته از نیاز به روش تازه‌یی است که انسان معاصر بدان نیازمند است. او در مورد نیازمندی جدید انسان مسلمان معتقد است که این انسان «امروز نیازمند روشی است که از لحاظ فیزیولوژیایی، نرم‌تر و از لحاظ روان‌شناختی، متناسب‌تر با عقل و ذهن و خواستار عینیات است. در غیاب چنین روشی، تقاضای شکل علمی معرفت دینی داشتن، امری طبیعی است. در این سخنرانی‌ها که به درخواست انجمن اسلامی مدرس تهیه و در شهرهای مدرس، حیدرآباد و علیگره القا شده، کوشش من آن بوده است که اگرچه به‌صورت جزئی هم باشد، به این نیازمندی جواب بدهم. سعی کرده‌ام که با توجه به سنت فلسفی اسلام و در نظر گرفتن ترقیات اخیر رشته‌های جدید علم و معرفت، فلسفه دینی اسلامی را احیا و نوسازی کنم» (احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، ص ۲).

اگر عصر حاضر به چنین نیازی دامن نزده بود و پای «تقاضای شکل علمی معرفت دینی داشتن» در میان نبود، آیا بازم «احیا و نوسازی فلسفه دینی اسلام» ضرورت می‌داشت؟

کوشش اقبال در این کتاب بسیار ارجمند می‌باشد و تفسیر او از دین، گاه درخشان و عالی است. اما خاستگاه این کوشش‌ها نه انحطاط اسلام، که مواجهه اسلام با یک وضعیت جدید می‌باشد. از نظر اقبال عصر علم، تفسیر تجربی از دین را ایجاب می‌کند و اکنون بایستی ایمان دینی را بر وفق مقتضیات عصر تجدید بازسازی کرد. اقبال به‌طور گسترده، به قرآن و سنت فلسفی و کلامی اسلامی ارجاع می‌دهد. اما این ارجاع به منظور سازگار کردن واقعیت اکنون دین اسلام با دنیای جدید و به‌خصوص با مقتضیات علم متجدد است نه به منظور فهم تحولات تاریخی دین اسلام و احیاناً انحطاط آن. تمام بحث‌های اقبال در این کتاب، از بحث خاتمیت گرفته تا مراحل تاریخی اندیشه دینی مطابق با وضع بشری و منابع معرفت و روح فرهنگ و تمدن اسلامی، همه به منظور «بازسازی» یعنی تطبیق اسلام با یک وضعیت جدید صورت گرفته است و نه به نیت فهم سرشت و وضعیت دین اسلام در طول تاریخ و در موقعیت کنونی آن.

کارهای گابریل گارسیا مارکز، لبریز مقادیر متناهی از عشق است که به صورت سرنوشت‌های تیره و تار مالکیت‌های اهریمنی، بیماری و یا قرار و مدارهایی که به راحتی قابل فسخ و انقضا نیست، مجسم می‌شوند و غالباً مردی سال‌خورده با زنی جوان و یا حتی دختری نوجوان، درگیر ماجراست.

در «صد سال تنهایی» اورلیانو باندیا با فاحشه‌بی کم‌سن‌وسال مواجه می‌شود. «دختر جوان دورگه‌یی روی تخت خوابیده بود. آن شب، قبل از اورلیانو شصت‌وسه نفر دیگر وارد اتاق شده بودند. به خاطر ازدیاد نفس‌ها و عرق بدن، هوای اتاق بوی لجن گرفته بود. دخترک یک‌طرف پارچه خیس را گرفت و از اورلیانو خواست طرف دیگرش را بگیرد. پارچه مثل نم‌سنگین شده بود. آن‌قدر جلاتند تا پارچه وزن اولش را پیدا کرد. اورلیانو نگران اعمالی بود که هیچ وقت تمامی نداشت.»

شرایط جسمی و زنده‌گی دختر، رقت‌بار است. «استخوانی بود و پوست تنش به دنده‌ها می‌چسبید و نفس‌هاش از شدت خسته‌گی زیاد به‌سختی بالا می‌آمد. دو سال قبل، خیلی دورتر از آن‌جا موقع خواب، شمع را خاموش نکرد و به خواب رفت. وقتی بیدار شد که شعله‌های آتش همه‌جا را گرفته بود و محل زنده‌گی او و مادر بزرگش تبدیل به خاکستر شد. از آن تاریخ، مادر بزرگ او را از شهری به شهری دیگر می‌کشاند و به ازای تنها بیست سنت او را به رخت‌خواب می‌فرستاد تا خسارت خانه سوخته را جبران کند. طبق حساب‌های خودش، از ده سالگی هر شب با هفتاد مرد خوابیده بود. چرا که هر طور شده، می‌بایست مخارج سفر و خورد و خوراک هر دوی‌شان تأمین می‌شد.»

استثماری که از دخترک می‌شود، اورلیانو را به بغض می‌آورد و با حالت گریه از اتاق خارج می‌شود. او عاشق شده است. این حدس شماست، او به نحوی مقاومت‌ناپذیر حس می‌کند دخترک را دوست دارد و باید از او حمایت کند. سحرگاه از شدت تب و بی‌خوابی تصمیم می‌گیرد با او ازدواج کند و از مالکیت مادر بزرگش و لذاتی که می‌بایست هر شب نصیب هفتاد نفر شود، رهایش کند. این ترکیب غریب از ناپاکی و فریب که احتمالاً نسبت به محیط کلبیایی دوران جوانی نویسنده در مفاهیم اجتماعی آن‌قدر هم غریب و نادر نمی‌نمود، پنج سال بعد در داستان بلند «داستان باورنکردنی و غمگین ازدیاری ساده‌دل و مادر بزرگ سنگ‌دلش» بر طبق فلم‌نامه‌یی از خود نویسنده به فیلم درآمد. به شهادت رسیدن اردن برای ساده‌دل و بی‌آزار و تأکید بر این‌که او توسط اولیس رها خواهد شد. این مضمون کاتولیکی، به کار جنبه داستانی تری بخشید. «دختر با چشمان دریایی و ظاهری که فرشته‌یی در او نهفته است و مادر بزرگی در او جانی است و باهیکی چاق که خال‌کوبی کره‌په‌یی روی شانه‌هایش دارد. مثل این‌که خونی چرب و سبز، مرکب از غسل و نغنا از رگ‌های بیرون بریزد.»

وقتی برای اولین‌بار با اردن‌یرا روبه‌رو می‌شویم، تازه به چهارده سالگی قدم گذاشته است، جایی که سیروا ماریا دوتاس لاس‌انجلس قهرمان رمان «عشق و دیگر شیاطین» نیز در آغاز کتاب فقط دوازده سال دارد.

مادرش دورگه‌یی رام نشدنی، اغواگر، درنده‌خو و بی‌حیا با شهوتی سیری‌ناپذیر در درونش که می‌تواند گروهانی از سربازان را جواب بدهد. پدری زن‌صفت دارد که در حال احتضار است و چون در خواب، موش‌ها خوش را می‌مکنند، همیشه زرد و رنگ‌پریده است. به دلیل ناتوانی و بی‌عاطفه‌گی والدین، او میان فساد آدم‌هایی که اغلب برده و کولی هستند، پرورش می‌یابد. زبان آنان را می‌آموزد. رقصیدن‌شان، مذهب و نوع خوراک آن‌ها. بارزترین مشخصه‌اش، موهای مسی‌رنگ اوست که هیچ‌وقت کوتاه نشده. موهایش را با قیطان می‌بندد تا موقع راه رفتن، برایش مزاحمتی ایجاد نکند. در سال‌روز تولدش سگی به او حمله می‌کند و دیگر هرگز علاجیم بیماری بهبود نمی‌یابد. تمام اقدامات پزشکی بی‌نتیجه می‌ماند و امید و اراده‌اش تحلیل می‌رود. پدر روحانی که در جریان بیماری اوست، یک‌باره عاشقش می‌شود. پی می‌برد و عاشق او شده، طوری که تا کنون هیچ‌کس دیگری را در جهان دوست نداشته است. بنابر این گیتانو دلاورا، کشیش سی‌وشش‌ساله به‌خاطر این عشق در معرض طرد از کلیسا قرار می‌گیرد. دلاورا نهایتاً عشق خود را به دخترک ابراز می‌کند. اعتراف می‌کند تمام لحظه‌هایش لبریز از خیال اوست. هر چیزی که می‌خورد و می‌آشامد، طعم او را می‌دهد. همیشه و همه‌جا و نهایت لذت مرگ به خاطر اوست. طبق تحلیل دنیس روزه مونت تا به حال نشان دادن عشقی این‌گونه رمانتیک به مثابه ارتداد کاتولیکی کمتر اتفاق افتاده است و بر طبق مرزبندی مارکز، عنصر فاحشه‌گی را در تبلور عشق ضروری دانسته است.

سیروا ماریا به اتهام هرزه‌گی محکوم به اقامت در صومعه می‌گردد. کلاهی مسخره‌تیزین شده با نوارهای رنگارنگ و پُرزرق‌وبرق تهیه می‌شود و رییس صومعه در کمال بی‌رحمی و غضب، این کلاه هرزه‌گی را بر سر دخترکی می‌گذارد. از طرفی، پی‌گیری‌های مداوم

کشیش از محل نگه‌داری و زنده‌گی دختر باعث می‌شود تا به او نسبت فاحشه‌باردار داده شود. آن دو از یکدیگر دور می‌مانند و مصایب عشق را تجربه می‌کنند. در حالی که دخترک هم‌چنان باکره و در انتظار وصل می‌ماند. سیروا ماریا تصمیم می‌گیرد نخورد و نیاشامد و در راه عشق تن به مرگ بدهد و سرانجام وقتی یکی از راهبه‌ها موهایش را کوتاه می‌کند، متوجه می‌شود که مرده است.

«رشته‌هایی از موی تازه روییده هم‌چون حباب از سر تراشیده‌ او بیرون می‌زند و موجی از گیسوان مسی پُررنگ از پشت سرش سرازیر می‌شود.» این جمله در پیش‌گفتار کتاب گابریل گارسیا مارکز آمده است.

رمان جدید او «خاطرات فاحشه‌ غمگین من» که آخرین کار داستانی نویسنده در سال‌های اخیر است، فقط یک‌صد و پانزده صفحه حجم دارد. بازهم فاحشه کم‌سن‌وسالی را می‌بینیم (تازه چهارده ساله شده) که عریان روی تشکی خیس و نم‌دار دراز کشیده است و این‌بار رطوبت از دانه‌های براق عرق بدن او حاصل شده است و فرد عاشق همان راوی و قهرمان بی‌نام داستان است که نودساله است.

مارکز استادانه جمله‌های آغازین داستان را این‌گونه خلق می‌کند:

«در بلدو ورود به نودسالگی می‌خواستم طعم عشقی وحشی و گذرانیدن یک شب تمام را در کنار باکره‌یی جوان به خودم هدیه کنم.»

به نظر می‌رسد بسیاری از جزئیات نقل شده، برگرفته از تجربیات شخصی اوست. قهرمان کتاب نویسنده‌بی‌ست که از حدود پنجاه سال قبل، ستونی را در روزنامه محلی «الدیارو دلا پاز» دارد. اهل خواندن و نوشتن است. به‌خصوص ادبیات کلاسیک. در خانه‌اش مجموعه‌یی نفیس از لغت‌نامه‌ها را دارد. موسیقی

کلاسیک را نیز دوست دارد و کلکسیون کوچکی هم جمع‌آوری کرده است. شهری که در آن زنده‌گی می‌کند، مثل خود قهرمان بی‌نام و نشان است، اما موقعیت مکانی آن حدود بیست فرسنگ با رودخانه گریست ماگدالنا فاصله دارد که در همسایه‌گی آراکاناکا شهر بومی مارکز است. راوی سی‌وود

سالگی خود را هم‌زمان با مرگ پدرش و روزی که عهدنامه «نیر لاندیا» به امضا رسید، نقل می‌کند، یعنی سال ۱۹۰۲. پس قهرمان ما متولد ۱۸۷۰ است و در ۱۹۶۰ به سن نود سالگی می‌رسد. او

می‌گوید که فردی ضعیف، خجالتی و دمده است و در طول زنده‌گی تنها با زنان خودفروش هم‌بستر شده است. فاحشه‌یی از کار افتاده داخل اتوبوس با او گرم می‌گیرد و دخترک را پیشنهاد می‌کند. او هرگز ازدواج نکرده و از هیچ حیوانی در خانه‌اش نگه‌داری نمی‌کند. خدمتکاری روستایی و وفادار به‌نام «دامیان» او را تر و خشک می‌کند که همیشه روی پنجه راه می‌رود تا مزاحم نوشتن پیرمرد نشود. با وجود

نداشتن وضع مالی مناسب، معمولاً سعی در موجه جلوه دادن موقعیت ظاهری‌اش را دارد. طوری که

گریه‌ها با تحسینی فارغ از حس ترحم، به او نگاه

می‌کنند.

نثر به کار رفته حاکی از قلم صیقل‌دار و برجسته کارهای مارکز است که در ترجمه ماهرانه «گراس من» هم به خوبی قابل تشخیص است.

خاطرات «فاحشه‌ غمگین من» به لحاظ ایجاز و فلسفه درونی و نهفته، یادآور نام‌آورانی از ادبیات امریکای لاتین هم‌چون «ماکادو آسیس» و «آلوارو موتیس» است که راحت و پُرلذت خواننده می‌شود. گرچه ممکن است در برخی موارد با فرهنگ مردم ما منطبق نباشد، اما هرچه هست، دنباله‌رو همان تمایلاتی‌ست که از دوره بیست‌ساله‌گی مارکز به چاپ رسیده است.

باکره‌یی که «رزا کابارکاس» خانم رییس کهنه‌کار فاحشه‌خانه، برای مشتری پیر خود در نظر گرفته است، دختر فقیری است که مخارج زنده‌گی مادر مفلوج و برادرها و خواهرهایش را با درآمد ناچیزی که از راه دکمه‌دوزی در کارخانه پوشاک به‌دست می‌آورد، تأمین می‌کند.

رزا کابارکاس به پیرمرد می‌گوید که دخترک از این کار وحشت دارد. چون که یکی از دوستانش در جریان ازاله بکارت به دلیل خون‌ریزی شدید به حال مرگ افتاده بود. به همین خاطر برای آرام کردنش به او آرام‌بخش می‌خوراند که در نتیجه، شب قهرمان داستان با تماشای خوابیدن دخترک سپری می‌شود.

جذاب‌ترین قسمت بدنش، پنجه‌های بلند و انگشت‌های ظریف او بود. آرایش تند و

زینت‌آلات پُرزرق‌وبرق نمی‌توانستند سن‌وسال کمش را پنهان کنند. بینی مغزورانه، ابروهای پُرپُشت و لب‌های کلفت. یاد گاوهای نر میدان گاو‌بازی می‌افتادم. ملاقات بعدی آن‌ها هم به همین منوال اتفاق افتاد.

«از فرط خسته‌گی زیاد به خواب رفته بود. پیرمرد نودساله لمیده در کنار بستر. گوش دادن به صدای نفس‌هایش. گاهی آن‌قدر ضعیف که بترسد و نبضش را بگیرد و مطمئن شود که هنوز زنده است،

جریان خون را در رگ‌هایش تصور کند. جریان‌یی که از شاخه‌های متعدد به پنهان‌ترین بخش‌های وجودش می‌گذشت و دوباره به قلبش بازمی‌گشت و از عنصر عشق زلال می‌شد.»

از چه عشقی؟ احتمالاً از عشق او که از علاقه‌یی درونی سرچشمه می‌گرفت. در طی ساعاتی که خوابیده برایش کتاب می‌خواند و شعر می‌سراید. هیچ‌گاه بیداری دختر را نمی‌بینیم و این‌که حرفی در پاسخ بزند. اگر چه در پایانی خوش، خبر هشیاری و حس کردن دخترک را از آن لحظات می‌دهد. از

دومین شب حضور در کنار بستر دختر، ارتباط پیرمرد با رزا کابارکاس و سایرین که شاهد بروز حالات خاص روانی و روحی او به‌خاطر آن فاحشه جوان بودند، فاصله‌دارتر می‌شود. زیبای خفته می‌بایست در خواب بماند و زیبایییش آن‌گونه معتادار می‌شود، اما وقتی بوسه‌یی او را از خواب بیدار کند، چه خواهد

شد. راوی داستان در پی برملا کردن لایه‌های سیاه و شوم فاحشه‌گری نیست و این‌که بخواد کندوکاوی در

مقوله برده‌گی و سیستم ظالمانه اقتصادی داشته باشد که دختران جوان را مجبور به فروش بکارت‌شان می‌کند، و در این‌جا حتی این‌گونه مسایل اخلاقی به موضوع اصلی بی‌ربط می‌نماید. تولدی دوباره از بابت عشق و مصایب آن در یک شخص، تم محوری و اصلی کار است.

«کسی که در نهایت از قید بنده‌گی رها گردید و مرا به اسارت درآورد، سیزده سال بیش‌تر نداشت.» راوی یک بار دیگر خواننده را از این بابت مطمئن می‌سازد که در سن نودساله‌گی هنوز زنده است و با تحمل مصایب عشق، برای اثبات آن سرسختانه می‌کوشد.

در «خاطرات فاحشه‌ غمگین من» عشق بیش‌تر متأثر از بیماری و سن‌وسال است. تصاویر پنهانی، اندوه نهفته‌یی را برای ما آشکار می‌سازد. «قلبم از حجمی اسیدی لبریز می‌شود که نفس کشیدن را برایم دشوار می‌سازد و ترجیح می‌دهم تا اول خودم بمیرم...»

همان‌طور که گاهی در مورد افراد سال‌خورده، عشقی این‌گونه تکان‌دهنده و ویران‌گر اتفاق می‌افتد، در این‌جا نیز حس واقعی راوی، او را از لغزش بازمی‌دارد. «ماه کامل از نیمه آسمان بالا می‌رود و گویی دنیا را در آب سبزرنگی غوطه‌ور می‌کند.»

ریالیسم جادویی همیشه به شکست لایه‌های زیرین خاطره می‌پیوندد. در مورد عشق نیز به همین منوال است.

«از این پس او را در خاطره‌هایم نگه می‌دارم. با نهایت وضوح. می‌توانم هر کاری با او بکنم. دیدن و لمس کردن او به صورت زنده در کالبدش. او در خاطرم واقعی‌تر و زنده‌تر است. می‌بینم او در گذشته کمتر برابم واقعی می‌نمود تا اکنون که در خاطره‌هایم است.» بر طبق نظریه «روزه مونت» و «فروید» (رساله سال ۱۹۱۲ "رایج‌ترین شکل تنزل در زنده‌گی ارویتیک") زن فقط در جسم حضور دارد. همسر و یا نامادری با تمام پیچیده‌گی‌های عاطفی و نیازهای پرفشار، غرایز جنسی کمتری دارند تا زنی که با پول به اختیار گرفته شود و تحت امیال ما رفتار کند. در «عشق و

دیگر شیاطین» این‌ظواهر فریبنده در غالب شاهزاده کوچک بی‌کس‌وکاری که بی‌صاحب و بی‌نام و نشان است، نمود می‌کند. در رمان «خاطرات فاحشه غمگین من» دختری فقیر و از طبقه پایین اجتماع، خود را در خواب واگذار می‌کند. جسم بی‌کلامش نمایان‌گر شگفتی و خلق زنده‌گی است، به خاطر نگه داشتن غریزی عشق نسبت به یک نفر، در تخریب آهسته زنده‌گی برای سال‌خورده‌گان فاسد چیز غریبی نیست. این جریان، خاطره را برای لحظاتی جابه‌جا می‌کند و صدایی آهسته که در گوش راوی ما زمزمه می‌شود:

«... مهم نیست چه کار می‌کنی. به هر حال امسال یا طی صد سال بعدی برای همیشه خواهی مرد.»

گرفته شده از: وب‌سایت "دیگران"



نویسنده: جان آپدیک

برگردان: علی قانع



## یک عضو کمیسیون مواصلات و مخابرات مجلس:

# پول کردت کارت‌ها به حساب بانکی افراد واریز می‌شود!



ابوبکر صدیق

وزارت مخابرات در ایجاد سامانه‌یی که بتواند پول وضع شده از کردت کارت‌ها را به شکل شفاف جمع‌آوری کند ناکام بوده است.

یک عضو کمیسیون مخابرات و مواصلات مجلس نماینده‌گان با بیان این مطلب می‌گوید که وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در جمع‌آوری پول کردت کارت‌ها شفاف عمل نکرده است.

او باور دارد که پول وضع شده از کردت کارت‌های مردم به‌جای خزانه دولت به حساب بانکی برخی افراد واریز می‌شود. در همین حال، مک (کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری) ادعا کرده است که رهبری و افراد کلیدی وزارت مخابرات و تکنالوژی به‌گونه عمده نمی‌خواهند سیستمی را که رقم گردآوری عواید از کردت کارت تیلیفون‌ها را مشخص می‌سازد، در این وزارت فعال سازند.

اعضای این کمیته هشدار می‌دهند که اگر رهبران حکومت جلو این بحران را نگیرند، پیامدهای آن خطر آفرین خواهد بود.

اما، عبدالرازق وحیدی وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی ضمن رد گزارش کمیته نظارت و ارزیابی گفته که به خاطر مغایرت حکم تعلیق وظیفه‌اش که از سوی مشاور ریاست جمهوری امضا شده و با ماده ۱۳۶ قانون اساسی مغایرت دارد، به این دلیل حکم بررسی اتهام او از سوی دادستانی کل انجام نمی‌شود.

وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی حدود یک ماه پیش به دلیل فساد گسترده در این وزارت، وظیفه‌اش از طرف رییس جمهور به حالت تعلیق درآمد.

این در حالی است که غلام فاروق مجروح عضو کمیسیون مخابرات و مواصلات مجلس نماینده‌گان در مصاحبه با روزنامه ماندگار

می‌گوید: از ابتدایی که رییس جمهور دستور داد تا ۱۰ درصد پول از کردت کارت‌ها وضع شود، تأکید مردم به این بود تا در قدم نخست یک سامانه شفاف برای جمع‌آوری این پول ایجاد شود. اما، دولت بدون ایجاد چنین سامانه‌یی دستور وضع مالیات را داد. آقای مجروح گفت که پس از ۸۰ روز از اجرایی‌شدن حکم رییس جمهور در مورد جمع‌آوری مالیات از کردت کارت‌ها، کمیسیون مخابرات و مواصلات وزیر مخابرات را استجواب کرد که وزیر مخابرات از جمع‌آوری چهار میلیون افغانی عواید خبر داد.

او گفت که وزیر مخابرات در حالی از چهار میلیون عواید حرف می‌زد که ۱۲ میلیون سیمکارت راجستر شده و ۹ میلیون سیمکارت بدون راجستر وجود داشت که مجموعاً ۲۱ میلیون می‌شود. هر سیمکارتی که ۱۰ افغانی روزانه مصرف کند، ۱ افغانی مالیه می‌پردازد که عواید آن به ۲۱ میلیون می‌رسد.

به گفته او، وزارت مخابرات "چور" را از جیب مردم افغانستان به راه انداخته است! در حال حاضر نیز این چپاول جریان دارد و هیچ فردی جلو آن را گرفته نمی‌تواند.

این عضو کمیسیون مخابرات و مواصلات مجلس نماینده‌گان باور دارد پولی که از سیمکارت‌های مردم وضع می‌شود در حساب بانکی برخی افراد واریز می‌شود و حکومت افغانستان نیز نمی‌تواند از این پول استفاده برای رفع مشکلات مردم کند.

آقای مجروح دلیل تعلیق وظیفه وزیر مخابرات را فساد گسترده در این وزارت می‌داند که از طریق آن پول وضع شده از کردت کارت‌های مردم به جیب افراد و اشخاص رفته است.

اما، برخی دیگر اعضای مجلس نماینده‌گان باور دارند که مقامات در فساد گسترده وزارت‌خانه‌ها دست دارد. رمضان جمعه زاده

عضو کمیسیون اقتصاد ملی مجلس نماینده‌گان می‌گوید: در کابینه دولت وحدت ملی بدون از سه وزیر سایر وزرا در حوزه کاری‌شان فاقد صلاحیت هستند.

آقای جمعه زاده افزود: وزیر مالیه، رییس امنیت ملی و مشاور شورای امنیت از جمله افراد نزدیک به اشرف غنی و صلاحیت بیشتر امور دولت به دست دارند.

به گفته او، وزیر مخابرات از جمله افراد بی‌صلاحیت بود و توان این را نداشت که طرح و پیشنهاد را به رییس جمهور پیش کند. این عضو مجلس نماینده‌گان بیان کرد که حتا در بحث جمع‌آوری پول کردت کارت‌ها شرکت‌های "روشن، افغان بیسیم، اتصالات و MTN" "فیس باکس" ایجاد می‌کنند و پول را می‌دزدند.

آقای جمعه زاده به این باور است که از آغاز کار وزیر مخابرات در این پست هیچ طرح آن از طرف رییس جمهور پذیرفته نشده است.

او گفت: در کابینه فعلی وزرای که از طرف دکتر عبدالله رییس اجرایی معرفی شده‌اند، از طرف رییس جمهور به حاشیه رانده می‌شوند. آقای جمعه زاده برخی از این وزرا را افراد سمبولیک در وزارت‌خانه‌ها می‌داند که صلاحیت تعیین یک فرد را ندارند و حضورشان را در پست وزارت‌خانه ناشی از "بی‌غیرتی آنان می‌داند!" در غیر آن صورت، به گفته او، این وزرا باید استعفا نمایند.

او گفت که در یک وزارت که وزیر از طرف دکتر عبدالله پیشنهاد شده است، معین از طرف اشرف غنی تعیین شده است، معین به دستور وزیر کار نمی‌کند و وزیر از کار معین بی‌خبر است! این کار باعث بی‌نظمی در نهاد‌های دولتی شده است.

آقای جمعه زاده گفت: در مورد ایجاد سامانه جمع‌آوری پول وضع شده از کردت کارت تیلیفون‌ها شرکت آماده شده بود در این مورد ۱۸ میلیون دالر سرمایه گذاری کند؛ اما برخی از کمپنی‌های مخابراتی در این مورد مداخله کرده حتا نگذاشتند که وزیر طرح این کمپنی را به رییس جمهور پیشنهاد کند!

آقای جمعه زاده بیان کرد که رییس جمهور به پنج تا هفت وزیر دستور می‌دهد تا به اساس رهنمود یک فرد خورد سال و بی‌تجربه کار کنند؟! او لحظات را به یاد می‌آورد که در شهرداری کابل حضور داشته و یک بچه خورد سال که حتا به زبان فارسی و پشتو نیز تکلم کرده نمی‌توانست به شهر دار دستور می‌داد و دست و پای شهر دار از ترس می‌لرزیده است و شهردار در جواب آقای جمعه زاده که پرسان کرده این کی است؟ گفته که از طرف رییس جمهور برای بررسی کار ما تعیین شده است.

## د سرپل ولایت والی:

### د سرپل کوهستانات د مخالفینو د جلب او جذب په مرکز اوبستی



د سرپل ولایت سیمه ییز چارواکي وايي، د دې ولایت د کوهستاناتو ولسوالي د دولت پرضد، د وسله والو مخالفینو د جلب او جذب په مرکز اوبستی ده.

د سرپل والي وايي، دغه ولایت د پیچلي جغرافیایي موقعیت او د صعب العبورو سیمو د لرلو له امله، د بل هرشمالي ولایت په پرتله، د وسله والو مخالفینو پام ځانته اوړلی دی.

د سرپل والي ظاهر وحدت د شنبی په ورځ ازادي راډیو ته وویل چې د دغه ولایت د کوهستاناتو ولسوالي چې له شاوخوا یو نیم کال راهسې د طالبانو په ولکه کې ده اوس د مخالفینو د روزني، تجهیز او د دولت پرضد د جلب او جذب په مرکزونو اوبستی ده. هغه وویل که حکومت ورته تدابیر، ونه نیسي، جدي امنیتي گواښ به رامنځته کړي.

نوموړي زیاته کړه: "مخالفین ډېره توجه سرپل ته لري، په دې دلیل چې سرپل یوه غرنۍ سیمه ده، د کوهستاناتو ولسوالي پیچلي او خطرناکه اراضي لري او مخالفینو پکې اډې د امن ځایونه او روزنیز مرکزونه جوړ کړي دي او حتې اوسمهال پکې ځان وژونکي هم روزي".

ښاغلي وحدت وویل، د سرپل ولایت امنیتي گواښونه یې ډېر ځلي، د مرکزي حکومت له مسؤلینو سره شریک کړي، خو ده په خبره، د مختلفو دلایلو له مخې په دې برخه کې اقدام نه دی شوی.

وحدت: بهرنیو ترورېستانو سرپل کې د انتحاري زده‌کړو مرکزونه جوړ کړي د ښاغلي وحدت په خبره په دغه ولایت کې اکثره جنگیالي د بهرنیو هېوادونو اتباع دي.

په ورته وخت کې د سرپل د ولایتي شورا رییس محمد نور رحمانی هم په سیمه کې د ناامنیو پر زیاتېدو اندېښمن دی او وايي چې د کوهستاناتو پر ولسوالي سربېره، د دغه ولایت څو نورې سیمې هم د وسله والو طالبانو تر کنترول لاندې راغلي دي.

نوموړي زیاته کړه: "د سرپل ولایت خلک له جدي امنیتي ستونزو سره مخ دي، اندېښني مخ په زیاتېدو دي، د کوهستاناتو د ولسوالي تر سقوط وروسته، د کله کلا، شېرم های او یوشمېر نورې سیمې د مخالفینو تر کنترول لاندې راغلي، له بده مرغه په دې وروستیو کې د صیاد ولسوالي څه باندې اویا فیصده برخه هم د دولت د مخالفینو لاس ته ورغلې ده".

د سرپل ولایت چارواکي وايي چې پر وسله والو طالبانو سربېره، د داعش ډله هم په دغه ولایت کې فعالیتونه لري.

سرپل هغه شمالي ولایت دی چې د سیمه ییزو مسؤلینو په خبره، ډېر ځله د حکومت د وسله والو مخالفینو د پراخو بریدونو شاهد و.

په ورته وخت کې د دفاع وزارت ویاند دولت وزیري ازادي راډیو ته وویل په سرپل ولایت کې پوځي ځواکونه موجود دي او د دولت د وسله والو مخالفینو مخه به ونیسي.

ښاغلي وزیري په دې اړه ازادي راډیو ته وویل: "اوس په سرپل ولایت کې د اردو قطعات لرو، په هرځای کې چې امنیت کمزوری وي هغوی عملیات کوي، ما د والي صاحب خبرې واورېدلې، د دفاع په وزارت په جریان کې دی په هرځای کې چې ضرورت وي، عملیات اجراء کېږي".

د پوځي چارو کارپوه یوسف همت ازادي راډیو ته وویل، کشفی ارگانونه مخکې له دې چې د هر ډول امنیتي گواښ په اړه خبر ترلاسه کړي باید د مخنیوي لپاره یې له امنیتي ځواکونو سره شریک کړي، اوکه نه نو، د یوې سقوط شوې سیمې بېرته نیول به ستونزې او تلفات ولري.



این تحریم راه را برای تأمین صلح و ثبات دایمی در افغانستان فراهم کند.

توافقنامه صلح میان دولت افغانستان و حزب اسلام متعلق به گلبدین حکمتیار، از مخالفان مسلح این دولت، هشتم مهر ماه امسال بین اشرف غنی، رییس جمهور افغانستان و گلبدین حکمتیار، رهبر این گروه امضا شد.

## حکمتیار از فهرست سیاه حذف شد

حکمتیار در سال ۲۰۰۳ وارد فهرست تحریم‌های سازمان ملل شده بود. او از قوم "خروتی" از مردم پشتون است.

در اعلامیه سازمان ملل محل زنده‌گی او مرزهای میان افغانستان و پاکستان اعلام شده‌است.

حدود دو ماه قبل دولت افغانستان رسماً درخواست خود را از طریق وزارت خارجه افغانستان و نمایندگی دایمی در سازمان ملل به کمیته تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل برای برداشته شدن تحریم‌ها علیه حکمتیار ارسال کرده بود.

رییس و اعضای این کمیته در سفری که به افغانستان داشتند، وعده دادند که به مجرد دریافت درخواست افغانستان آن را مورد بررسی قرار داده و تلاش خواهند کرد که درخواست افغانستان مورد قبول اعضای شورای امنیت سازمان ملل قرار گیرد. کابل قبلاً ابراز امیدواری کرده بود که برداشته شدن

شورای امنیت نام گلبدین حکمتیار، رهبر گروه شورشی حزب اسلامی را از فهرست تحریم‌ها علیه القاعده و داعش خارج کرد.

براساس بیانیه‌یی که از سوی شورای امنیت سازمان ملل منتشر شد کمیته تحریم‌های این سازمان موسوم به کمیته تحریم‌های گروه تروریستی داعش و القاعده سازمان ملل متحد، در نشست روز پنجشنبه خود نام گلبدین حکمتیار را از فهرست تحریم‌هایش خارج کرده است.

در این بیانیه تصریح شده است، گلبدین حکمتیار، رهبر گروه شبه نظامی "حزب اسلامی" افغانستان دیگر مشمول انسداد دارایی‌هایش و همچنین ممنوعیت سفر و تحریم تسلیحاتی نیست. شورای امنیت سازمان ملل مشخصاتی را درباره حکمتیار از جمله تاریخ تولدش و تاریخ وارد شدن نام او به فهرست تحریم‌ها ارائه کرده است.

**فیسبوک نامه**

**محمد اکرام اندیشمند**



آیا دونالد ترامپ به عنوان یک آدم متناقض و غیرقابل پیش‌بینی در ریاست جمهوری امریکا، جهان را گرفتار جنگ سوم و احتمالاً جنگ اتمی می‌سازد؟

دونالد ترامپ، چند ماه قبل با انتقاد از هیلاری کلینتون در مورد ایجاد یک منطقه امن در سوریه گفت که چنین اقدامی "به جنگ جهانی سوم خواهد انجامید"، اما حالا به ایجاد منطقه امن در سوریه تأکید دارد. ایجاد منطقه امن در سوریه به معنای درگیری امریکا در جنگ سوریه یا جهت‌های مخالف است: از مخالفان بشار اسد تا دولت اسد و دولت‌های روسیه و ایران حامیان بشار اسد.

ترامپ درحالی‌که قبل از پیروزی در انتخابات به کاهش نقش امریکا در کشورهای دنیا تأکید می‌کرد و از تمرکز سیاست خود بر بهبود و پیشرفت بیشتر اقتصادی امریکا سخن می‌گفت، اما حالا با لحن تهاجمی و ستیزه‌جویانه در برابر ایران، کوریای شمالی و برخی کشورهای دیگر بر خلاف وعده‌های دوران انتخابات عمل می‌کند. ترامپ برخلاف روزهای انتخابات امریکا حالا از ادامه تحریم در برابر روسیه و انتقاد شدید از روسیه بر سر اوکراین سخن می‌زند. ترامپ با چین بر سر جزایر مصنوعی آب‌های چین و بر سر تایوان لحن تهاجمی گرفته است. ترامپ با لحن غیر دیپلماتیک حتا سایر کشورهای اروپایی را به خروج از اتحادیه اروپا با تأیید و تشویق خروج بریتانیا، ترغیب می‌کند و به نحوی از سیاست‌مداران راست افراطی در اروپا حمایت به عمل می‌آورد. صدهزار ویزای شهروندان هفت کشور اسلامی که درحال سفر به امریکا بودند پس از فرمان ترامپ به نام مبارزه با تروریسم و امنیت امریکا باطل شد. آیا این صد هزار نفر، همه تروریست بودند؟

**یعقوب بیستا**



این شعار که «ما برابری قومی می‌خواهیم»، کهنه اگر نشده باشد؛ دزدیده شده است و تعدادی با استفاده از این شعار، حقوق قوم خود را به جیب خود و خانواده خود کرده‌اند. خانواده‌های مشخص از پشتون، تاجیک، اوزبیک، هزاره و... سال‌ها می‌شود در قدرت تشریف دارند و حقوق قوم‌شان را بنابه فیصدی تعیین شده، بین هم از کمک‌های خارجی گرفته تا بیت‌المال و تا بست‌های شش مأموریت، تقسیم می‌کنند.

هرگاه که منافع این خانواده‌های در قدرت به نوعی درخطر شد؛ صدا می‌کشند که برابری قومی می‌خواهیم... بنابراین، برابر قومی دیگر معنا ندارد؛ باید برابری فردی و شهروندی بخواهیم!

**حسیب معترف**



**نقدی کوتاه بر حزب جمعیت اسلامی:**

۱-حزب جمعیت اسلامی افغانستان، مولود دوران جنگ و براندازی است. نه جمعیت و نه هیچ یکی از تنظیم‌های جهادی و اسلامی افغانستان، حزب سیاسی به‌صورت متعارف و به‌مفهوم مدرن و امروزی، حزب سیاسی نیستند؛ اما این به‌معنی آن نیست که تنظیم‌های جهادی نمی‌توانند به‌حزب سیاسی تبدیل شوند.

۲-نقش کاریزمایی استاد ربانی و شهید احمدشاه مسعود، نقش اساسی در توسعه و گسترش این حزب داشت. اما پس از آن، این حزب از داشتن یک روایت روشن از آنچه که هست و آنچه که می‌خواهد باشد، رنج می‌برد. شکست‌های پیهم این حزب طی بیش از یک‌دهه، ریشه در همین سردرگمی دارد.

۳-عملکرد یک‌ونیم دهه اخیر حزب جمعیت اسلامی افغانستان در عرصه سیاسی افغانستان نشان می‌دهد، با آن‌که این حزب نقش اساسی در ایجاد نظام نوین و پرسه‌های دموکراتیک داشته، اما هیچ‌گاهی مدعی اساسی احراز رأس قدرت نبوده است. چنددستی این حزب در آستانه انتخابات‌های چند دور گذشته و ناتوانی در دفاع از آرای خودشان، نشان می‌دهد که احراز رأس قدرت در برنامه این حزب نبوده است.

۴-به‌نظر می‌رسد جایگاه نسل جدید (نسل پس از بُن) در این حزب هنوز مشخص نیست و هیچ‌گونه راهکاری هم برای تثبیت جایگاه نسل نو در این حزب، ترتیب و روی دست گرفته نشده است.

۵-حزب جمعیت باید موضع خود را در رابطه به‌ارزش‌های جدید بشری و دموکراتیک روشن سازد. بعضاً از تربیون هواداران این حزب افکار تندروانه تبلیغ می‌شود که با اندیشه‌های بنیان آن هم‌خوانی ندارد.

۶-حزب جمعیت اسلامی اساساً یک حزب «محافظه‌کار» و «مصلحت‌گرا» است. احزاب محافظه‌کار زیاد تمایل به آوردن تغییر ندارند. برای این‌که این حزب به یک حزب فعال، پیشرو و مدعی قدرت سیاسی مبدل گردد، نیاز است تا با رویکرد محافظه‌کارانه و مصلحت‌جویانه وداع گوید.

**کشور جهان‌نا**

**چین:**

**امریکا ثبات در شرق آسیا را به خطر می‌اندازد**

یک مقام وزارت خارجه چین دیروز (شنبه) در واکنش به اظهارات وزیر دفاع امریکا مبنی بر تعهد ایالات متحده به دفاع از مجموعه جزایر مورد مناقشه میان چین و جاپن گفت: امریکا ثبات منطقه‌یی در شرق آسیا را به خطر می‌اندازد.

لیو کانگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین از امریکا خواست تا از بحث درباره مسئله مناقشه بر سر این جزایر که چینی‌ها به آن «دیاویو» و جاپنی‌ها به آن «سنکاکو» می‌گویند، پرهیز کند.

این مقام چینی بر ادعای کشورش درباره حاکمیت بر این جزایر کوچک خالی از سکنه تأکید کرد.

لیوکانگ در بیانیه‌یی که در وبسایت وزارت امور خارجه چین منتشر شد عنوان کرد، معاهده سال ۱۹۶۰ میان جاپن و امریکا یک محصول جنگ سرد است که نباید سبب تضعیف حاکمیت ارضی و حقوق مشروع چین شود.

او خاطر نشان کرد: ما از طرف امریکایی می‌خواهیم رفتاری مسولانه در پیش بگیرد و از ایراد اظهارات «اشتباه» در مورد مسئله حاکمیت بر جزایر «دیاویو» خودداری کند و از پیچیده‌تر کردن مسئله و ایجاد بی‌ثباتی در وضعیت منطقه پرهیزد.

این اظهارات سخنگوی وزارت خارجه چین در واکنش به اظهارات جیمز ماتیس، وزیر دفاع دولت دونالد ترامپ در اولین سفرش به منطقه آسیا به جاپن ایراد شد.

ماتیس در این سفر تأکید کرد که دولت ترامپ به موضع سابق امریکا در این خصوص که معاهده امنیتی امریکا-جاپن شامل دفاع از تداوم اداره جزایر «سنکاکو» توسط جاپن، پایبند است.

همچنین چین به حرف‌های اخیر ماتیس در کوریای جنوبی درباره تعهد دولت ترامپ به اجرای معاهده دولت اوباما با سئول مبنی بر استقرار سامانه‌های دفاع موشکی «تاد» در این کشور واکنش نشان داد.

لیوکانگ در این خصوص گفت: مخالفت قاطع چین با استقرار این سامانه هیچ تغییری نکرده و نمی‌کند. استقرار این سامانه‌ها موجب به خطرآفتادن منافع راهبردی و امنیتی کشور های منطقه شامل چین و تضعیف توازن راهبردی در منطقه خواهد شد.

**گزارش تکان دهنده سازمان ملل از کشتار مسلمانان میانمار**

سازمان ملل متحد اعلام کرد که نیروهای امنیتی میانمار حقوق بشر را به طور گسترده نقض کرده و عملیات کشتار گروهی در برابر مسلمانان این کشور مرتکب شده‌اند.

سازمان ملل متحد تأکید کرده است که نیروهای امنیتی میانمار به کشتار گروهی، تجاوز زیر تهدید سلاح، ضرب و شتم شدید و قتل کودکان مسلمان در این کشور اقدام کرده‌اند.

سازمان ملل در گزارش خود درباره نقض گسترده حقوق بشر مسلمانان میانمار دلایل و مدارک قوی و مستحکمی را جمع‌آوری کرده است.

سازمان ملل در این راه با بیش از ۲۰۰ خانواده اقلیت مسلمانان روهاینگا مصاحبه کرده است که از میانمار به بنگلادش فرار کرده‌اند.

بر پایه این گزارش، یک مادر در مصاحبه با محققان سازمان ملل توصیف کرده است که چطور دختر پنج ساله‌اش هنگام تلاش برای محافظت از او در برابر تجاوز، کشته شده است.

این مادر گفته است: یک مرد چاقوی بزرگی را در آورده و با آن سر دخترش را بریده است.

در مورد دیگری، گزارش سازمان ملل آورده است: یک کودک شیرخواره هشت ساله "هنگامی که پنج نیروی امنیتی به مادرش زیر تهدید سلاح تجاوز کردند" به قتل رسیده است.

در این گزارش آمده است: حدود ۶۵ هزار مسلمان روهاینگا از میانمار به بنگلادش فرار کرده‌اند.

کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد گفت: نیمی از کسانی که با آنان مصاحبه کرده‌ایم گفته‌اند که یکی از اعضای خانواده آنان کشته شده است.

او افزود: ۵۲ زن از مجموع ۱۰۱ زن مورد تجاوز یا خشونت جنسی از سوی نیروهای امنیتی میانمار قرار گرفته‌اند.

بر اساس این مصاحبه‌ها، نیروهای امنیتی یا ارتش میانمار صدها خانه، مدرسه، بازار، فروشگاه و مسجد مسلمانان روهاینگا را آتش زده‌اند.

در گزارش سازمان ملل همچنین آمده است: شهادت‌ها تأیید می‌کند که ارتش میانمار خانه‌ها را در زمان وجود ساکنانش در آن، به طور عمدی آتش می‌زند.

در موارد دیگری، گزارش سازمان ملل آورده است: ارتش مسلمانان روهاینگا را مجبور کرده است که تا وارد خانه‌های در حال سوختن شوند.

این گزارش افزود: «بسیاری از قربانیان در معرض ضرب و شتم یا تجاوز قرار گرفته‌اند و عاملان این جنایات‌ها به آنان گفته‌اند که "خدا چه کاری می‌تواند به خاطر شما انجام دهد؟ ببینید ما چه کار می‌توانیم بکنیم".

زید رعدالحسین، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل تأکید کرد: قساوت در برابر کودکان روهاینگا قابل تحمل نیست. این چه تنفیری است که سبب می‌شود عده‌یی یک کودک شیرخواره را که برای شیر مادرش گریه می‌کند، چاقو بزنند؟

او افزود: از جامعه بین‌المللی می‌خواهم تا با تمام توان خود به من ملحق شود تا سران میانمار را وادار کنیم که به این عملیات ارتش پایان دهند.



**دختران وشوکار برای مسابقات جهانی آماده می‌شوند**



دختران شائولین‌کار افغانستان برای شرکت در مسابقات قهرمانی جهان در چین آماده می‌شوند.

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی نوشته است: زمانی که در سال ۵۰۰ میلادی بوداها در افغانستان مشغول کندن مجسمه بودا در کوه‌های بامیان بودند، این مردمان در معبد شائولین در استان «هنان» چین مشغول خلق یک سبک خاص از ورزش‌های رزمی بودند.

واشنگتن پست نوشته است: ۱۵ قرن بعد ۱۰ زن از قوم هزاره، در تپه‌های اطراف کابل مشغول تمرین شائولین هستند و هدف آنان شرکت در مسابقات جهانی شائولین در چین است. سمیرا عظیمی، ۹ دانش‌آموز را در این تپه برای شرکت در مسابقات المپیک و همچنین حفاظت از خود در خیابان‌های کابل آماده می‌کند.

بانو عظیمی حادثه‌یی را به یاد می‌آورد که دزدی سعی کرد که وسایل او را بقاپد، ولی عظیمی به‌واسطه مهارت در ورزش‌های رزمی اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.

این روزنامه آمریکایی در آده می‌نویسد: زمانی که این رزمی کاران نتوانند در کوه‌های پوشیده از برف کابل تمرین کنند، آنان در یکی از کلوب‌های تاریک سینما که توسط یک بازیگر جوان فراهم شده، تمرین می‌کنند. او می‌گوید که پیدا کردن وسایل آموزشی در کابل بسیار دشوار است.

عظیمی زمانی که در ایران تحصیل می‌کرد، در چندین مسابقه شرکت کرده و مدال طلا و برنز را کسب کرده است، او زمانی که به کابل بر می‌گردد، تصمیم می‌گیرد که دختران جوان را تشویق به یادگیری این رشته رزمی کند.

او می‌گوید: بسیاری از خانواده‌های دانش‌آموزان من با یادگیری وشو توسط دختران مشکل دارند، ولی من به درب منزل آنان می‌روم و با آنان صحبت می‌کنم تا اجازه چنین کاری را بدهند.

به‌طور کلی یادگیری ورزش‌های رزمی توسط دختران در جامعه سنتی افغانستان برای بسیاری از مردم دشوار است.

**افغانستان در مقابل زیمبابوه به برتری دست یافت**



تیم کریکت افغانستان در چهارمین دیدارش از سد تیم الف زیمبابوه عبور و این تیم را شکست داد.

این دیدار ۵۰ آوره یک روزه که در کشور زیمبابوه برگزار شد، تیم الف آن کشور یک‌بار دیگر مغلوب تیم افغانستان شد.

در این دیدار بازی را زیمبابوه آغاز کرد و توانست با از دست‌دادن هشت بازیکن، ۲۱۲ دوش را برای افغانستان حاصل شود.

از توپ‌اندازان افغانستان، نواز خان پنج بازیکن، محمد ابراهیم ۲ بازیکن و ضیاءرحمان، یک‌بازیکن الف زیمبابوه را از میدان بیرون کردند.

هرچند هدف تعیین‌شده توسط الف زیمبابوه در این دیدار به خاطر باران به ۱۶۲ دوش و چارچوب آن به ۴۰ آور کاهش یافت، اما تیم افغانستان توانست به آسانی با از دست‌دادن تنها چهار بازیکن و در ۳۶۰۳ آور، برنده بازی شود.

بیش‌ترین امتیاز را از توپ‌زنان تیم افغانستان، وحیدالله با ۵۱ دوش به دست آورد، سپس نورالحق ۴۷ دوش و یونس احمدزی ۳۰ دوش به دست آوردند.

در این دیدار بهترین بازیکن میدان نوازخان شناخته شد که توانست پنج توپ‌زن الف زیمبابوه را از میدان بیرون کند.

این چهارمین پیروزی تیم کریکت افغانستان در برابر الف زیمبابوه بود و پیش از این نیز در سه دیدار گذشته نتیجه مشابه رقم خورده بود.

# Mandegar

رییس اجرایی به نهادهای حکومتی:

## تدابیر جدی روی دست گیرید



رییس اجرایی در جلسه فوق العاده رسیده‌گی به حوادث از نهادهای مربوط خواسته است که به آسیب دیده گان رسیده گی جدی نمایند.

در این جلسه، نهادهای مسوول به ویژه وزارت های دولت در امور رسیده گی به حوادث طبیعی، انکشاف دهات، فواید عامه، صحت عامه و دفاع ملی در باره برف باری ها شدید، بسته شدن شاهراه ها و راه های مواصلاتی، روند پاک کاری جاده ها و جریان کمک رسانی گزارش دادند.

بر اساس خبرنامه ریاست اجرایی، در آغاز نشست، رییس اجرایی کشور برف باری های امسال را بی پیشنه خواند و گفت: به دلیل شرایط سخت جوی، مسدود بودن راه ها و برف کوچ در ۴۸ ساعت گذشته، ۲۰ تن جان باخته اند و هم زمان در ۲۲ ولایت کشور برف باری های شدید جریان دارد.

آقای عبدالله در ادامه افزود: اقدام به موقع نهادهای مسوول به ویژه عملیات نجات برای جلوگیری از تلفات، پاک کاری و بازکردن راه های مواصلاتی نهادهای مسوول نتیجه بخش بوده است. به گفته او، در حال حاضر کوتل حاجی گگ و شاهراه سالنگ به دلیل طوفان شدید و برف کوچ مسدود است؛ اما کوتل شیبیر باز می باشد.

ویس برمک، وزیر دولت در امور رسیده گی به حوادث طبیعی درباره آخرین تحولات گزارش داد و گفت: در مناطق شمال شرق به ویژه ولایت بدخشان ضخامت برف یک متر و سی سانتی بوده و به همین دلیل اکثر راه های مواصلاتی مسدود شده است. آقای برمک ابراز کرد: بر اساس گزارش ها میزان تلفات از اثر

برف باری ها در ولایت بامیان ۳ نفر شهید، در ولسوالی های مایمی، یوان و راغستان ولایت بدخشان ۱۹ تن شهید و ۱۲ نفر دیگر زخمی شده اند. بر اساس گزارش این وزارت، راه های مواصلاتی ولایت های تخار، غور، بامیان، فاریاب، جوزجان، سرپل، دایکندی و پنجشیر مسدود شده اند؛ اما روند کمک رسانی و همکاری با مردم جریان دارد.

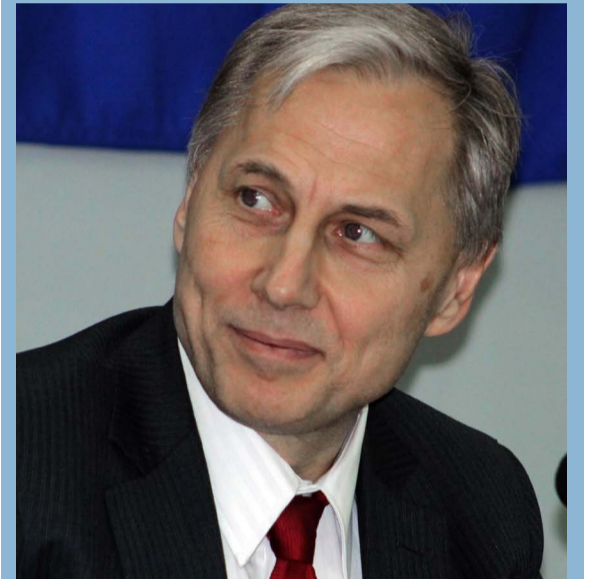
سپس، نصیر احمد درانی، وزیر انکشاف و دهات گفت: این وزارت ۷۵۸ مسیر را از طریق ۱۶۰ شورای ولسوالی برای پاک کاری هماهنگی کرده است؛ اما با آن هم ۹۰ فیصد راه های قریه ها با ولسوالی ها مسدود می باشد.

همچنان، محمود بلیغ وزیر فواید عامه گزارش داد که به دلیل طوفان و برف باری ها شدید، پاک کاری جاده ها به ویژه در شاهراه سالنگ و حاجی گگ متوقف شده و تا کنون ۳۳ برف کوچ در شاهراه سالنگ آمده است؛ اما پس از

آرام شدن هوا کار دوباره آغاز می شود. او می گوید: تلاش ها برای باز کردن شاهراه هرات- کابل جریان دارد. وزارت صحت عامه نیز از آماده گی ها برای ارائه خدمات صحتی خبر داد و اظهار داشت که در حال حاضر ۱۳۸ مرکز در تمام ولایات آماده همکاری هستند. رییس اجرایی خطاب به نهادهای مسوول گفت: وزارت های دولت در امور رسیده گی به حوادث، فواید عامه، انکشاف دهات و صحت عامه تدابیر جدی تر را برای روزهای آینده در نظر بگیرند و به تیم های ولایتی شان دستور دهند که روند کمک رسانی را سریع تر نمایند و انتقال کمک ها را روی دست گیرند.

او همچنان تأکید کرد: نهادهای مسوول با هماهنگی تیم های ولایتی شان در روزهای آینده بالای دو نکته تمرکز داشته باشند: آماده گی بیشتر و اطلاع رسانی به موقع. زیرا سیلاب و برف کوچ قابل پیش بینی است.

## نماینده ویژه اتحادیه اروپا بر توزیع شناسنامه های الکترونیکی تأکید کرد



نماینده ویژه اتحادیه اروپا در افغانستان گفته است شناسنامه های (تذکره) الکترونیکی افغانستان را جای امن تر خواهد کرد.

فرانز مایکل ملیبن، در توییتی همچنین گفته است که توزیع شناسنامه های الکترونیکی حکومتداری را قوی و خدمات را بهتر خواهد ساخت.

به گفته آقای ملیبن، نباید در توزیع شناسنامه تاخیر کرد.

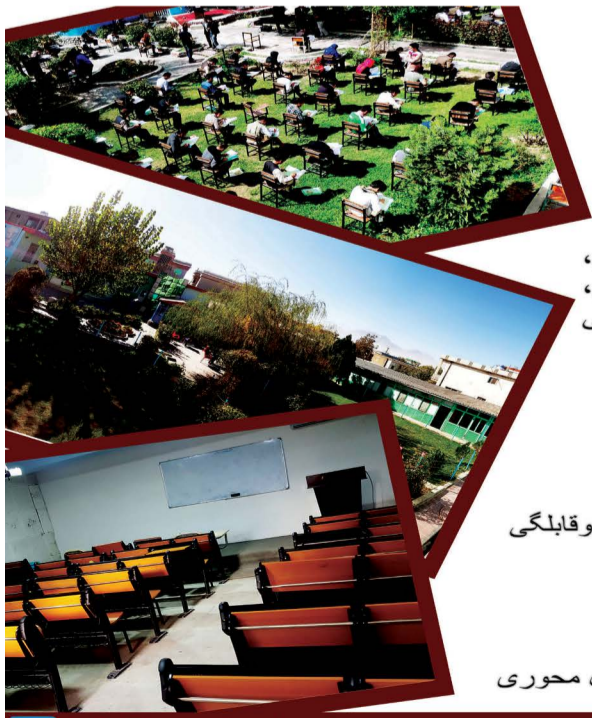
مجلس نمایندگان افغانستان سه سال پیش با بحث بر سر تصویب "قانون ثبت احوال نفوس"، مشخصات شناسنامه (تذکره) الکترونیکی این کشور را نهایی کردند.

شماری تأکید دارند که شناسنامه بر اساس قانون توشیح شده توزیع شود و شماری هم تأکید می کنند که برای همه شهروندان تنها کلمه "افغان" استفاده شود؛ همین موضوع منجر به بحث های طولانی در مجلس نمایندگان آن زمان هم شد و تاکنون این بحث ها ادامه دارد. سرانجام مجلس تصویب کرد که نام اقوام افراد در این شناسنامه ها درج نشود و به جای آن، این مشخصات همراه با عکس چشم و انگشت نگاری، در مرکز اطلاعات وزارت داخله (کشور) ثبت شود.

ولی از آن زمان به بعد تا حالا، موضوع درج اقوام در شناسنامه، مانع اصلی توزیع آن پنداشته می شود.

در سال گذشته سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری افغانستان گفت که کمیته قوانین کابینه این کشور طرح تعدیل قانون ثبت احوال نفوس برای تغییر یک ماده جنجالی در آن را تهیه کرده و بر اساس این طرح، شناسنامه های الکترونیکی جدید افغانستان می تواند حاوی واژه افغان و قومیت شهروندان این کشور باشد.

با اینکه وزارت داخله افغانستان سال گذشته اعلام آمادگی برای توزیع شناسنامه ها کرد، اما این کار تا به حال صورت نگرفت.



### مؤسسه تحصیلات عالی زاول

نهادهای علمی، آکادمیک و مؤثر در کشور

با داشتن استادان متخصص باسویه های بلند تحصیلی، صنوف معیاری، لابرتوارهای مجهز سیستم درسی به میتودهای قبول شده بین المللی، کتابخانه مجهز، فضای سبز عالی محیط زیست، تنوع درسیستم آموزشی نظری و عملی.

برای فارغان صنوف (۱۲)

- طوب معالجوی
- طوب ستوماتولوژی
- حقوق و علوم سیاسی
- کمپیوتر ساینس
- اقتصاد

و همچنان برای روند پیشرفت تحصیلی فارغان صنوف (۱۴) ستوماتولوژی و قابلگی با ابتکار و فعالیت علمی سیستم بریجینگ یا متمم لسانس در پوهنخی های:

- ستوماتولوژی (طب دندان)
- قابلگی

خدمت گذار هموطنان عزیز و شایقین علوم معاصر در افغانستان بهترین موقعیت - محیط آکادمیک زمینه ساز رشد محصل محوری